

Research Paper

A study of the characteristics and requirements of endowment of stocks and the financial and economic principles governing it in the Iranian legal system

Mahdieh Sanei¹ , Amir Rostami Kamalabad² 

1- Assistant Professor, Department of Financial-Economic Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Master's student, Financial and Economic Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Receive:

23 Jul 2025

Revise:

06 Sept 2025

Accept:

11 Sept 2025

Published online:

19 Sept 2025




Abstract

Endowment is the retention of real property and the realization of its benefits for the intentions of the donor and charitable affairs. The basic condition for the validity of a endowment is the “objectivity and viability of the endowed property.” Shares are a document or document that indicates a person’s ownership in a joint-stock company. The share certificate itself has credit value, but its real asset is part of the company’s capital. Although shares are inherently financial credit, they can be endowed as a representative of part of the company’s tangible assets. Iranian legal practice is inclined towards accepting this type of endowment. This satisfies the condition of the permanence of the object in the endowment. The endowment of shares requires the preparation of an official document and the transfer of ownership to the donee or the trustee. Receipt can be made by registering changes in the company’s stock books or the stock exchange system. The principle is that endowment shares can no longer be bought and sold except in exceptional cases (such as a change for the best interest of the endowment with the permission of the Sharia ruler or the Endowment Organization). In addition, it should be noted that existing laws do not explicitly address the endowment of securities; special provisions need to be included in the Endowment Law or the Stock Exchange.

Keywords:

endowment, shares,
financial principles,
endowment, profit.

Please cite this article as (APA): Bazzi Allah Ray.M, Shayani Rad.M. (2025). Victim Rehabilitation in the Light of Clinical Victimology. *Journal of Business law and economics*, (2) 3, 438-459.

Sponsored by: Institute of Somamos Publications	10.22034/jble.2025.550629.1028	
Corresponding Author: Mahdieh Sanei	https://orcid.org/0000-0001-9191-0008	
Email: m_saneei@azad.ac.ir	This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License .	



مقاله پژوهشی

بررسی اوصاف و بایسته های وقف اوراق سهام و اصول مالی و اقتصادی حاکم بر آن در نظام حقوقی ایران

مهدیه صانعی^۱، امیر رستمی کمال آباد^۲

۱- استادیار، گروه حقوق مالی - اقتصادی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق مالی اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب، تهران، ایران.

<p>چکیده</p> <p>وقف عبارت است از حبس عین مال و تسبیل منفعت آن در جهت نیت واقف و امور خیریه. شرط اساسی در صحت وقف «عینیت و قابلیت بقاء مال موقوفه» است. اوراق سهام برگه یا سندی است که نشانگر مالکیت شخص در یک شرکت سهامی است. خود ورقه‌ی سهم، ارزش اعتباری دارد ولی دارایی واقعی آن، بخشی از سرمایه شرکت است. هرچند اوراق سهام ذاتاً مالی اعتباری است، اما به عنوان نماینده‌ی بخشی از دارایی‌های عینی شرکت، قابلیت وقف دارد. رویه حقوقی ایران به سمت پذیرش این نوع وقف متمایل است. این امر شرط بقاء عین در وقف را برآورده می‌سازد. وقف سهام نیازمند تنظیم سند رسمی و انتقال مالکیت به موقوف‌علیهم یا متولی است. قبض می‌تواند با ثبت تغییرات در دفاتر سهام شرکت و یا سامانه‌ی بورس صورت گیرد. اصل بر این است که سهام موقوفه دیگر قابل خرید و فروش نیست مگر در موارد استثنایی (مانند تغییر بهینه برای مصلحت موقوفه با اذن حاکم شرع یا سازمان اوقاف). علاوه بر اینها لازم به ذکر است که قوانین موجود صراحتاً به وقف اوراق بهادار نپرداخته‌اند؛ لازم است مقررات ویژه‌ای در قانون اوقاف یا بورس درج شود.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰</p> <p>تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰</p> <p>کلید واژه‌ها:</p> <p>وقف، سهام، اصول مالی، موقوفه، منفعت.</p>
--	--

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): صانعی، مهدیه؛ رستمی کمال آباد، امیر. (۱۴۰۴). بررسی اوصاف و بایسته های وقف اوراق سهام و اصول مالی و اقتصادی حاکم بر آن در نظام حقوقی ایران، *دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد*، ۳(۲)، ۴۳۸-۴۵۹.

	10.22034/jble.2025.550629.1028	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی سماموس
	https://orcid.org/0000-0001-9191-0008	نوسنده مسئول: مهدیه صانعی
	https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa قابل بازنشر است.	ایمیل: m_saneei@azad.ac.ir



مقدمه

نهاد وقف از پیشینه تاریخی غنی برخوردار است. در دین مبین اسلام همواره تشویق به عمل خیر در اولویت بوده و در این میان وقف به عنوان نمونه بارز عمل صالحی شناخته شده است که نه تنها در زمان حیات واقف، بلکه حتی پس از مرگ وی نیز برای او خیر به دنبال خواهد داشت. (علی اکبری، ۱۳۹۶: ۵۷) امروزه وقف در کشورهای پیشرفته جهان همچون سایر نهادهای مالی روز به روز گسترده شده و راهی در جهت تحقق اهداف خیر اجتماعی مهیا ساخته است. اما در برخی از کشورهای اسلامی، رواج تفسیری که عین بودن مال موقوفه را از شرایط اساسی مال موقوفه می داند سبب شده تا نهاد وقف با محدودیت هایی روبه رو شود. این در حالی است که امروزه شاهد آن هستیم که دیگر اموال و ثروت های موجود در جامعه به ملک و یا طلا محدود نبوده و قالب های گوناگونی یافته است. فهم عرف نیز از مال تغییر کرده و حتی در بسیاری از موارد شاهد شناسایی اموال جدیدی هستیم که حتی در گذشته موجود نبوده ولی امروزه از حمایت قانونگذار برخوردار است و اوراق بهادار یکی از اقسام این نوع اموال می باشد. اوراق بهادار در بازار بورس اوراق بهادار مبادله می شوند. به دلیل مزایای گسترده ای که این بازار داشته و سودی که به سرمایه گذار آن تعلق می گیرد، شاهد آن هستیم که افراد، بخشی از دارایی خود را در این بازار سرمایه گذاری می کنند. در واقع امروزه دیگر دارایی افراد بر خلاف گذشته، به زمین و طلا محدود نمی شود و چه بسا ممکن است بخش اعظم دارایی فرد در قالب اوراق بهادار باشد. با توجه به گسترش بازار بورس و افزایش روز به روز سرمایه گذاری در این بازار، این سؤال مطرح شده است که آیا ممکن است تا شخص قسمتی از دارایی خود را که در قالب اوراق بهادار است وقف کند؟ در گذشته مورد قالب وقف از دارایی فرد خیر، زمین بوده است اما چنانچه گفتیم امروزه اموال، انواع گوناگونی پیدا کرده است و اوراق بهادار بخش اصلی از دارایی بسیاری از افراد، به خصوص در شهرهای بزرگ و پیشرفته را تشکیل می دهد. در نتیجه بررسی وقف اوراق بهادار و یافتن پاسخی برای سوال مذکور ضرورت دارد. (پاسبان، ۱۳۹۰: ۶۷) این مسأله سبب شده است تا کمیته فقهی بورس اوراق بهادار تهران نیز به بررسی امکانسنجی وقف سهام به عنوان غالب ترین ورقه بهادار مورد معامله در بازار بورس اوراق بهادار بپردازد. هم اکنون شرکت سپرده گذاری مرکزی و تسویه وجوه با صدور کد وقفی سهام، وقف سهام را عملاً ممکن ساخته است با این قید که اوراق وقف شده سهام را از هر گونه نقل و انتقال ممنوع می سازد. علاوه بر موارد فوق باید اذعان داریم ماده ۵۵ قانون مدنی عنوان می دارد: «وقف عبارت است از این که عین مال، حبس و منافع آن تسبیل شود». با تکیه بر لفظ عین در ماده اخیر می توان به عدم صحت وقف غیراعیان (نظیر سهام و اموال فکری)، قائل شد. قول غالب فقهای امامیه که در ادامه بدان خواهیم پرداخت، استنتاج یادشده را تقویت می کند. (در مقابل دیدگاههایی وجود دارد که از صحت وقف سهام و وقف اموال فکری جانبداری کرده اند. مطابق یک قول غالب در فقه امامیه موقوف باید عین معین مملوک قبض پذیری باشد که بقای آن با استفاده موقوف علیهم به خطر نیفتد. (میر حسینی، ۱۳۹۶: ۱۹۴) بنابراین وقف دین و منفعت صحیح نیست. در جایی دیگر نیز اینگونه استدلال شده است که صحت وقف سهام به چندین دلیل، اقوی به نظر می رسد. نخست، برخی از فقیهان معاصر، وقف سهام را بلامانع دانسته اند. آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ استفتائی مبنی بر صحت یا بطلان وقف سهام بیان داشته اند: «در صورتی که شرکتی دارای سهامی باشد، و این سهام به صورت اموالی مانند کارخانه، ساختمان و امثال آن بوده باشد، وقف آن سهام مانعی ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۳، ص ۶۴۰). همچنین این فقیه شیعی در جواب استفتائی درباره



امکان وقف سهام شرکت‌های تجاری عنوان می‌دارد: «اشکالی ندارد، و عموم ادله وقف و همچنین اطلاقات شامل این مورد می‌شود و مانعی از شمول نیست». روش تحقیق در این پایان نامه روش تحلیلی - توصیفی است. در این جهت از مقررات قانونی، کتب و مقالات حقوقی و مالی و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. در میان این منابع، علاوه بر منابع فارسی به دلیل ضرورت موضوعی تحقیق، از منابع فقهی به زبان عربی نیز به طور گسترده استفاده شده است.

مبحث اول: اصول مالی و اقتصادی حاکم بر اوراق سهام:

امروزه بورس اوراق بهادار به عنوان مرکزی در جهت جذب سرمایه‌های جامعه و همچنین جلوگیری از تبعات منفی افزایش نقدینگی در میان مردم بر اقتصاد و رفاه جامعه به حساب می‌آید و از معاملات بورس به عنوان نبض اقتصاد کشورها نام می‌برند. در این راستا، بورس یک بازار متشکل و رسمی است که در آن معاملاتی مانند اوراق بهادار از قبیل سهام شرکت‌ها و اوراق مشارکت و... منعقد می‌شود. معاملات بورس اوراق بهادار از جمله معاملات تجاری است که مقررات سنتی قانون مدنی نمی‌تواند به خوبی پاسخگوی نیازهای این معاملات باشد و این معاملات صرفاً توسط کارگزاران انجام می‌شود و ایشان به عنوان نماینده طرفین، معاملات را انجام می‌دهند. این معاملات، تحت حاکمیت اصولی از جمله اصل رقابت، اصل شفافیت اطلاعاتی، اصل ممنوعیت استفاده از اطلاعات نهانی و اصل نظارت انجام می‌شود. ویژگی‌های معاملات و بازارهای بورس موجب شده است که قواعد عام قانون مدنی و دیگر مقررات، برای تنظیم معاملات بورس کافی نباشد. به بیان دیگر، تفاوت‌های عمده بین معاملات بورس با سایر معاملات اقتضاء می‌کند که اصول و قواعد خاصی بر معاملات بورس حاکم باشد، به طوری که در حال حاضر قانون مدنی، قانون تجارت، قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴، آیین نامه معاملات در شرکت بورس اوراق بهادار تهران و لوایح آن مصوب ۱۳۸۵، دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات در بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۸۹ و دستورالعمل ثبت، سپرده‌گذاری، تسویه و پایاپای مصوب ۱۳۸۸ در بورس حکومت دارند. اصول حاکم بر اوراق سهام بر اساس قانون بازار اوراق بهادار، شامل اصول حقوقی، اقتصادی و مالی است که بر مبادله، انتقال و سرمایه‌گذاری در سهام تأثیر می‌گذارد. این اصول به منظور حمایت از سرمایه‌گذاران، تضمین شفافیت و اطمینان در بازار و همچنین تسهیل گردش سرمایه در بازار سهام تدوین شده‌اند.

گفتار اول: اصول حقوقی:

این اصول بر اساس قوانین و مقررات مربوط به بازار اوراق بهادار، مانند قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران تدوین شده‌اند. این اصول شامل مواردی مانند نحوه انتشار سهام، الزامات گزارشگری، نحوه معامله و انتقال سهام، حقوق سهامداران، وظایف هیئت مدیره و سایر مقررات مربوط به بازار سهام است.

گفتار دوم: اصول اقتصادی:



این اصول بر اساس اصول اقتصاد کلان و اقتصاد بازار، بر مبادله، انتقال و سرمایه گذاری در سهام تأثیر می گذارند. این اصول شامل مواردی مانند عرضه و تقاضا، قیمت گذاری سهام، اثر عوامل اقتصادی بر بازار، و همچنین نقش بازار سرمایه در توسعه اقتصاد ملی است.

گفتار سوم: اصول مالی:

این اصول بر اساس اصول حسابداری و مالیات، بر مبادله، انتقال و سرمایه گذاری در سهام تأثیر می گذارند. این اصول شامل مواردی مانند ارزش گذاری سهام، روش های سرمایه گذاری، ریسک و بازده سرمایه گذاری، و همچنین نحوه گزارشگری مالی شرکت ها است.

مبحث دوم: ماهیت سهام بعنوان موضوع وقف:

در این مبحث ابتدا به تعریف سهام خواهیم پرداخت و سپس بررسی خواهیم نمود که آیا سهام شرایط مال موقوفه را دارا می باشد یا خیر. در صورت احراز این شرایط، آثار وقف سهام از جمله وظایف متولی در رابطه با سهام موقوفه را بررسی خواهیم کرد.

گفتار اول: ماهیت حقوقی سهام

در قوانین فعلی پیرامون تعریف سهام تنها می توان به ماده ۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ اشاره کرد که در ذیل بخش دو با عنوان سهام، سهم را بدین شرح تعریف کرده است: «سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد. ورقه سهم سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۸۵ شمسی (که هم اکنون نیز به موجب قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ منسوخ گردیده است) و قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ سهام را به عنوان مال منقول شناخته اند.

در این رابطه حقوقدانان نیز تعاریفی از سهام ارائه داده اند که بعضاً حاکی از اختلاف نظر اساتید در این رابطه است. در اینجا هر یک از این نظرات را به طور مختصر ذکر می کنیم:

۱- برخی از حقوقدانان سهام را نمایانگر طلب سهامدار از شرکت می دانند. به نظر این دسته از حقوقدانان به طور کلی سهم دو معنا دارد: یکی حقوقی که شریک در شرکت دارد. از این جهت سهامدار، شریک دارایی شرکت است و دیگری برگ بهاداری است که نه تنها حق شراکت را تأیید می کند بلکه نماینده و بیانگر حق مذکور می باشد... سهامدار طلبکار شرکت است و مالک سهم مشاع از دارایی شرکت نیست، زیرا مالکیت مشاعی شریک با شخصیت حقوقی شرکت منافات دارد» بر اساس این نظر «حق صاحب سهام اصولاً حق دینی و غیرمادی است ولی با ایجاد برگ سهام حق صاحب سهام با سندی که سهام نامیده می شده توأم شده و مالکیت سهام عملاً به یک حق عینی بر روی سهام تبدیل می شود و صاحب سهام و یا مالک سهام اصطلاح عادی در حقوق تجارت است.» (ستوده تهرانی، ۱۳۹۱: ۱۰۶)



۲- برخی دیگر از حقوقدانان اسناد تجاری از جمله سهام شرکت های تجاری را در زمره اموال منقول غیر مادی دانسته‌اند و در تأیید این نظر از ژرژ ریبر نقل کرده‌اند که «در بسیاری از افراد و مصادیق اینگونه اموال، ارزش مالی آنها نه تنها کمتر از ارزش مالی اموال منقول مادی به شیوه‌های سنتی نیست؛ بلکه به مراتب از آنها بیشتر است. این ارزش چنان با عین سند در آمیخته که انتقال و قبض و اقباض آنها به منزله انتقال و قبض ارزش مندرج در آنها است و در واقع و نفس الامر سرمایه‌های نوین جامعه را تشکیل می‌دهند» (اخلاقی، ۱۳۶۰: ۱۹)

۳- برخی دیگر میان سهام با نام و بی نام تفکیک قائل شده‌اند و سهام بانام را جزء اسناد با نام دانسته که جزء دیون محسوب می‌شوند و سهام بی نام را که به صورت سند در وجه حامل می باشد جزء اموال مادی به شمار می‌آورند که دین در سند تجسم یافته است. (الماسی، ۱۳۷۸: ۲۹۶)

۴- عده‌ای معتقدند حق شریکان در شرکت‌ها در تقسیم بندی سنتی حقوق دینی و عینی نمی گنجد زیرا که «حقی که شریکان در شرکت های تجاری دارند دارای ماهیتی مختلط از حقوق بر اموال و اشخاص است و به نوعی مالکیت غیرمادی تعبیر می شود... شریکان... آنچه دارند مالکیت اموال شرکت نیست؛ حقی است بر مالک (شخصیت حقوقی) که امتیازهایی درباره منافع سرمایه به آنان می دهد. به همین جهت قطع نظر از ترکیب سرمایه که منقول است یا غیرمنقول حق شریکان را به تابعیت از موضوع آن منقول شمرده‌اند... بدین ترتیب سهم شرکت نماینده وجود حقی است که خود دارای ارزش مالی و قابل نقل و انتقال است و آن را نباید با اموال شرکت اشتباه کرد و در زمره اعیان آورد»

۵- نظر دیگری که در این زمینه توسط حقوق دانان ارائه شده است تفکیک بین ورقه سهم و سهم است. بدین معنا که حق شریک در شرکت «سهم» و ورقه‌ای که بیانگر این حق است «ورقه سهم» خوانده میشود. (اسکینی، ۱۳۸۷: ۶۲)

۶- عده‌ای دیگر معتقدند «مقایسه سهم با حق ناشی از آن خلط مبحث است زیرا حق ناشی از سهم بعد از سهامدار شدن است و این حقوق به سهامدار تعلق می‌گیرد. پس در شناخت ماهیت سهم باید خود این مال را صرف نظر از حقوق ناشی از آن یا سرمایه منشأ صدور آن مورد بررسی قرار داد» (باریکلو، ۱۳۸۵: ۲۵) بر اساس این نظریه سهم مالی است که در بازار خاص خود مورد داد و ستد قرار می‌گیرد و موضوع این معامله حق سهامدار در شرکت یا آورده سهامدار به شرکت نیست بلکه طرفین فارغ از توجه به حقوق ناشی از سهم و تنها با توجه به ارزش و قیمت بررسی سهم، خرید و فروش سهام را در بازار بورس اوراق بهادار انجام می‌دهند. در نتیجه امروزه سهم به عنوان یک مال عینی مورد دادوستد قرار می‌گیرد. البته مفهوم عین در اینجا با تفسیر موسع در نظر گرفته شده و در برابر منفعت است و منظور «خود یا اصل» مال است.

به نظر می‌رسد نظریه طلب بودن سهام قابل پذیرش نیست زیرا با پذیرش نظریه باید معتقد باشیم مبادلات سهام در بازار بورس اوراق بهادار، خرید و فروش طلب است که این برخلاف مبانی حقوقی ما می باشد. خرید و فروش طلبی که مقدار آن مجمل است، برخلاف قواعد عمومی معاملات (ماده ۱۹۰ قانون مدنی) در حقوق ایران است که طی آن مورد معامله در عقود مغایه باید معلوم و معین باشد. در این صورت پذیرش نظریه دین بودن سهام، معاملات سهام غرری خواهد بود. این



در حالی است که عرف خرید و فروش سهام را خرید و فروش دینی احتمالی تلقی نکرده بلکه مورد معامله را مسلم، معلوم و معین می‌دانند.

چنانچه در گفتار بعدی خواهیم دید به نظر ما شناخت ماهیت سهام در امکان سنجی وقف سهام تا آنجا موثر است که ثابت کنیم سهام دین و یا منفعت نمی‌باشد زیرا که در حال حاضر وقف دین و منفعت صحیح نیست. توضیح دادیم که به نظر ما نظریه دین بودن سهام قابل پذیرش نیست و از آنجا که سهام بدون تردید منفعت نمی‌باشد، از بحث بیشتر در این زمینه می‌پرهیزیم. با وجود این به نظر می‌رسد با توجه به حقوق و تعهداتی که سهام با خود به همراه دارد دارای ماهیت ویژه‌ای است که در قالب سنتی قابل تفسیر نمی‌باشد. لازم نیست تلاش کنیم تا قالبی پیش ساخته برای تمامی اموال نوظهور پیدا کنیم. اوراق بهادار نیز مالی است که شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد که به نظر می‌رسد نمی‌توان آن را در قالب عین و یا دین محدود نمود. بهتر آن است که این مال را با تمام ویژگی‌های خاص خود و در نتیجه ماهیت ویژه‌ی آن بشناسیم.

گفتار دوم: امکان سنجی وقف سهام

سهام تنها ورقه بهادار است که به تفصیل پیرامون وقف آن بحث شده است و در نظر اکثر فقها و حقوق دانان نیز بلاشکال است. کمیته فقهی سازمان بورس اوراق بهادار نیز وقف سهام را جایز دانسته است. اما در این رابطه مبنایی که فقهاء حقوقدانان و کمیته فقهی بازار بورس اوراق بهادار به منظور جواز وقف سهام انتخاب نموده‌اند متعدد است. به همین منظور در این گفتار ابتدا به بررسی نظرات موجود در توجیه جواز وقف سهام می‌پردازیم و سپس در گفتار دوم تحلیل خود را در این رابطه ارائه خواهیم داد و هر یک از شروط مال موقوفه را در رابطه با سهام بررسی خواهیم کرد.

بند اول: مبنایی موجود جواز وقف سهام

پیرامون جواز و یا عدم جواز وقف سهام نظرهای متعددی ابراز گردیده است که اکثر این نظرها مبنی بر جواز شرعی و حقوقی وقف سهام است و منتها مبنایی این نظرات با یکدیگر متفاوت است. در این گفتار به بررسی برخی از این نظرها می‌پردازیم و سپس نظر خود را در این رابطه خواهیم گفت.

کمیته تخصصی فقهی بورس اوراق بهادار در جلسه های شماره ۵۸ و ۶۳ بدین مسأله پرداخته است. این کمیته در راستای بررسی جواز شرعی وقف سهام استفتائاتی را از برخی مراجع نموده است. سه سؤال طرح شده توسط کمیته به شرح ذیل است:

- ۱- افراد خیر علاقه مند هستند بخشی از سهام موسسات و واحدهای اقتصادی را وقف کنند آیا وقف سهام از نظر حضرتعالی صحیح است یا خیر؟
- ۲- افراد مایل هستند مقداری پول نقد را در راه خیر وقف کنند و با توجه به تبدیل آن مالیت آن را وقف می‌کنند تا ارزش مالی آن حفظ شود و چنانچه ارزش آن در حال کاهش باشد برای حفظ مالیت و ارزش آن، آن را به مال



دیگری تبدیل نمایند. آیا وقف مالیت صحیح است؟ لازم به ذکر است که فقیه شهید مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (ره) در ملحقات العروه وقف آن را صحیح می‌داند

۳- اگر واقف در صیغه وقف شرط کند که چنانچه منافع موقوفه کم شود و یا فروش آن به نفع باشد و یا شرایط دیگر - متولی موقوفه را به فروش برساند و آن را به مال دیگری تبدیل کند و دوباره آن را وقف کند آیا چنین شرطی صحیح است؟

اکثر این بزرگواران وقف سهام را جایز دانستند. برخی وقف پول را باطل دانستند. در نظر عده‌ای از مراجع جواز وقف سهام به دلیل جواز وقف مال مشاع است. به نظر می‌رسد در نظر این عده از فقها، مالکیت سهام شرکت به معنای مالکیت مشاعی در اموال شرکت است.^۱ در حالی که برخی دیگر با تأکید بر جواز وقف مالیت، وقف سهام را بلا اشکال دانسته‌اند.^۲

در نهایت کمیته فقهی وقف سهام را جایز دانست و چنین استدلال نمود که «اصل وقف اوراق سهام و همه اوراقی که سند دارایی عینی هستند صحیح است؛ ولی وقف اوراقی که سند دیون یا پول نقد هستند صحیح نیست. اگر در ضمن عقد وقف شرط شود که در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها، متولی آن سهام را فروخته و با پول آنها سهام بهتری خریداری و وقف کند صحیح است.»

برخی دیگر نیز بر اساس همین تحلیل معتقدند که «با توجه به این که هر کارخانه و شرکتی دارایی‌های منقول و غیرمنقول دارد و بر اساس آنها فعالیت می‌کند و این دارایی‌ها را از فروش اوراق سهام بدست آورده است، از طرفی برگه‌های سهام نشان دهنده میزان و درصد مالکیت دارنده سهام بر آن دارایی‌هاست پس می‌توان نتیجه گرفت که آن دارایی‌ها عین هستند و در ردیف اعیان قرار می‌گیرند و همان درصدی که دارنده سهام، مالک آن دارایی‌هاست زیرا جزء اعیان خواهد بود... در برگه‌های سهام مقدار مالکیت دارنده آن از ما به ازای عینی معین می‌شود وقتی برگه سهام به شخص دیگری منتقل می‌شود به تبع آن مقدار مابه‌ازای عینی نیز در تملک فرد دیگر قرار می‌گیرد. (مصباحی، ۱۳۸۶: ۱۷۱) بر این اساس زمانی که می‌خواهیم وقف سهام را بررسی کنیم باید مابه‌ازای عینی آن را که به صورت مشاع است بررسی کنیم. زیرا اگر مقصود از وقف سهام اوراق حاکی از حصه شریک باشد به دلیل آنکه به تنهایی ارزش مالی مستقل ندارد یعنی مالیت استقلالی ندارد، امکان پذیر نیست ولی اگر مقصود از وقف سهام وقف ما به از آن یعنی حصه‌ای از اموال یک شرکت باشد، وقف آن بلامانع است.

به نظر می‌رسد وقف سهام بر مبنای چنین تحلیل‌هایی صحیح نباشد زیرا مبنای اصلی تحلیل‌های مذکور وقف مال مشاع است. مطابق این نظر سهام «سند دارایی عینی است» و حاکی از مالکیت مشاعی دارایی شرکت است و با توجه به اینکه وقف مال مشاع بلا اشکال است، در نتیجه وقف سهام نیز صحیح است. اما در این استدلال ماهیت سهام به درستی تحلیل نشده است زیرا به نظر می‌رسد که سهام حاکی از مالکیت مشاع اموال عینی شرکت نیست. یکی از اصلی‌ترین مباحثی که

^۱ آیت الله وحید خراسانی که در پاسخ به سؤال اول چنین گفته‌اند: «اشکالی ندارد که مقداری از ملکی به نحو مشاع وقف شود»

^۲ آیت الله مظاهری به طور کلی به سئوالات مذکور چنین پاسخ داده اند که: «وقف هر چه مالیت عرفی حلال داشته باشد جایز است لذا وقف سهام و وقف مالکیت و من جمله پول صحیح است.»



در حقوق شرکت‌ها مطرح است، شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری است. بر اساس این نظریه کلیه شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند. این مسأله در ماده ۵۸۳ قانون تجارت ایران نیز پیش بینی شده است که مطابق آن: «کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند» یکی از ارکان شخصیت حقوقی دارایی است که بر اساس آن اموال شرکت متعلق به شخص حقوقی شرکت است. در نتیجه‌ی آن نمی‌توان عین اموال شرکت را به شرکاء شرکت نسبت داد. این یکی از اساسی‌ترین مباحثی است که موجب تفاوت شرکت مدنی از شرکت تجاری می‌گردد.

در شرکت مدنی مالکیت مشاعی است بر اساس آن شرکاء مالک مشاع کلیه اموال شرکت می‌گردند اما در شرکت تجاری مالکیت مشاعی شکل نمی‌گیرد و آنچه در اثر شرکت بوجود می‌آید شخص حقوقی شرکت است که دارای دارایی است و شرکاء به نسبت سهم خود در دارایی شخص حقوقی شرکت، شریک هستند. بنابراین «سهم شرکت نماینده وجود حقی است که خود دارای ارزش مالی و قابل انتقال است و آن را نباید با اموال شرکت اشتباه کرد و در زمره اعیان آورد.»

در نتیجه در صورتی که صاحب سهم را مالک مشاع اموال شرکت بدانیم اصلی‌ترین مفهوم امروزی حقوق تجارت یعنی شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری را نادیده گرفته‌ایم بنابراین برای توجیه امکان وقف سهام باید به سایر واقعیت‌های موجود در رابطه با سهام توجه داشت و سپس نتیجه‌گیری کنیم.

بند دوم: مبنای پیشنهادی جواز وقف سهام

سهام سند مالکیت مال مشاع نیست. تنها معرف دین شرکت به شریک نیز نمی‌باشد. همچنین نمی‌توان سهام را به تنهایی عین دانست زیرا که بدون توجه به سایر عناصر تشکیل دهنده آن، برگه‌ای فاقد ارزش است. به نظر می‌رسد سهام ماهیت ویژه دارد که در قالب‌های سنتی قابل تحلیل نیست. چنانچه در گفتار قبلی اشاره کردیم، شناخت ماهیت سهام تا آنجا در بحث ما موثر است که ثابت کنیم سهام دین نمی‌باشد که شرح آن در گفتار قبلی گذشت. به جز این مسأله شناخت ماهیت سهام به امکان جواز و یا عدم جواز وقف سهام کمکی نخواهد کرد زیرا که چنین تحلیلی در صورتی سودمند خواهد بود که عین مادی بودن مال را شرط وقف بدانیم حال آنکه دیدیم فقها معاصر به جواز وقف پول به عنوان وقف مالیت و نه عین مادی گرایش پیدا کرده‌اند. امروزه اموال به عین محدوده نشده و انواع گوناگونی از مال وجود دارد و باتوجه به اینکه توضیح دادیم در حدیث نبوی نیز «اصل» عنوان شده بنابراین عین بودن شرط مال موقوفه نیست، نیازی نیست تا ماهیت سهام مورد توجه قرار گیرد زیرا پیرامون اینکه سهام نوعی مال است نباید تردید کرد. این مسأله‌ای است که از واقعیت مبادلاتی سهام روشن می‌گردد. در نظر عرف سهام مالی است که صرف نظر از ماهیت آن و حقوق ناشی از آن مورد داد و ستد قرار می‌گیرد. هرچند این عوامل در ارزیابی قیمت سهام دخیل هستند.

امروزه مال مفهومی گسترده پیدا کرده و از اموال عینی سنتی فراتر رفته است و حقوق مالی و مواردی مانند اموال فکری نیز امروزه به راحتی مال تلقی شده و مورد داد و ستد قرار می‌گیرد. قسمت عمده‌ای از خریداران و فروشندگان سهام نیز فارغ از توجه به حقوق ناشی از سهم صرفاً با توجه به قیمتی که این مال در بازار خود یعنی بازار بورس اوراق بهادار دارد به خرید و فروش آن پرداخته و از طریق افزایش قیمت که در طی عرضه و تقاضا به وجود می‌آید به سود موردنظر خود دست می‌یابند.



بر این اساس گویی «موضوع و متعلق سند چنان با ماهیت آن مرتبط و یکپارچه شده است که گویی دارنده سند دارنده حق نیز هست و این حق یک حق مالی است که در سند حاکی از آن مستحیل و مستغرق شده است» (بهرامی، ۱۳۹۴: ۱۴۷)

به نظر می‌رسد وقف سهام از نوع وقف مالیت است. این مسأله از قصد واقفی برداشت می‌شود که تمایل به وقف سرمایه خود که در قالب اوراق بهادار است دارد. می‌دانیم که امروزه شرکت‌ها پس از عرضه اولیه سهام خود (پذیره نویسی و سپس صدور سهام به نام پذیره نویسان) اصل برگه سهامی که توسط افراد خریداری شده است را نزد شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه قرار می‌دهد. بدین ترتیب سهام نزد شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار محفوظ می‌ماند. حال در صورتی که سهامدار قصد فروش سهام خود را داشته باشد باید به شرکت کارگزاری مراجعه کرده و پس از دریافت کد معاملاتی اقدام به فروش و یا خرید سهام دیگر بنماید.

در این زمان پس از آنکه فرد سهام جدیدی را خرید در ازای آن گواهینامه‌ای به نام گواهینامه نقل و انتقال و سپرده اوراق بهادار در بورس صادر می‌نماید که در آن تعداد سهام خریداری شده و قابل معامله به همراه اطلاعات فرعی دیگر ذکر شده است.^۱

بدین صورت ممکن است فرد دارای چندین گواهی باشد که بیانگر تعداد سهامی است که وی مالک آن است. حال برای مثال فردی که سهام ۱۰ شرکت را به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان خریداری کرده است، قصد دارد تا این قسمت از داری خود را که در قالب اوراق بهادار است وقف نماید. در این حالت وی تعداد ۱۰ گواهی را دارا می‌باشد که هر کدام نمایانگر تعداد سهامی است که وی مالک آن است. چنین فردی جهت وقف این اوراق می‌تواند گواهی‌های مذکور را وقف کند که وقف تمامی سهامی است که نزد شرکت سپرده سرمایه گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه موجود است.

بدین ترتیب سرمایه ای با ارزش ۱۰۰ میلیون تومان وقف شده است که هرچند این سرمایه در قالب برگه سهام است اما عین سهام خاص شرکتی خاص موضوعیت نداشته بلکه سرمایه وقف شده موضوعیت دارد که نباید ارزش اولیه آن کم گردد. این مطلب را می‌توان با توجه به حدیث «الوقوف تكون علی حسب ما یوقفها أهلها» نیز تقویت نمود. در غیر این صورت به نظر می‌رسد عدم جواز وقف سهام چه بسا بهتر از آن است که وقف سهام را به مبانی و استدلالی خلاف اصول حقوقی حاکم بر سهام، شرکت های تجاری و بازار بورس اوراق بهادار جایز بدانیم.

در اینجا لازم است که در بحث تفکیکی صورت گیرد که موجب دقیق تر شدن مسأله می‌گردد. گاه ملاحظه می‌گردد که فرد قصد دارد تا سهم خود را از یک شرکت به عنوان سهامدار کلان آن شرکت وقف کند. در اینجا منظور وقف سرمایه ی فرد و سهم فرد در آن شرکت است که در نتیجه امکان نقل و انتقال آن متفاوت است. زیرا در اینجا قصد واقف، وقف سهم خود از شرکت است و نه صرفاً وقف اوراق بهادار سهام در نتیجه تبدیل این سهام نیز به سهام دیگر بسیار محدود است. زیرا در اینجا سهم مذکور موضوعیت دارد اما در مورد وقف اوراق بهادار سهام منظور واقف وقف مالیت و ارزش این مال است و در نتیجه امکان تبدیل اوراق سهام به اوراق سهام دیگر جهت کسب سود بیشتر تا زمانی که همچنان ارزش مذکور حفظ شده است، بلامانع به نظر می‌رسد.

^۱ رجوع کنید به بخش ضمایم پایان نامه جهت ملاحظه نمونه گواهی نقل و انتقال و سپرده اوراق بهادار در بورس



حال به بررسی سایر شرایط مال موقوفه در رابطه با سهام می‌پردازیم. شرط اول عین بودن مال است که آن را مورد بررسی قرار دادیم و دیدیم که با توجه به حدیث نبوی عین بودن شرط نیست. شرط بعدی مال موقوفه قابلیت تملک آن است که در مورد اوراق سهام نیز به عنوان مالی که مورد داد و ستد قرار می‌گیرد نیز موجود است.

شرط دیگر قابلیت بقاء در برابر انتفاع است. در این رابطه دو نوع تحلیل می‌توان ارائه داد. اول آنکه بگوییم تنها می‌توان اصل ورقه سهام را حفظ کرد و از سود سهامی که توسط شرکت ارائه می‌شود بهره برد و سود آن را در راه مورد نظر واقع صرف کرد. این تحلیلی است که مورد توجه بسیاری از نویسندگان قرار گرفته است. (مصباحی مقدم، ۱۳۷۱: ۱۵۰)

بر ایراد انحلال شرکت و در نتیجه پایان اعتبار اوراق سهام مربوط به آن بر مبنای این تحلیل چنین پاسخ داده‌اند که: «هر مالی تاریخ انقضایی دارد و اموال بسته به ماهیت و اجزای تشکیل دهنده آن - دیر یا زود - غیرقابل انتفاع می‌شوند و فقط یک مال است که قابلیت انتفاع از آن تقریباً دائمی است و آن... صرفاً زمین است که این شرط را در مقام انتفاع تمام و کمال دارند لذا این ایراد متوجه هر مال دیگری نیز خواهد شد» در نتیجه در مورد این شرط باید گفت آنچه لازم است قابلیت بقا و استعداد بقا است و نه ابدی بودن مال. «لذا قابلیت شأنی مراد است که این امر در مورد سهام نیز به وضوح قابل استناد است» برخی دیگر چنین تحلیل کرده‌اند که در صورتی که شرکت منحل شود «اموال آن به صاحبان سهام منتقل می‌شود و میان آنان تقسیم می‌گردد بنابراین مال محکی سهام قابلیت بقا را دارد و همان است که وقف می‌شود.»

تحلیل دومی که در رابطه با قابلیت بقاء می‌توان ارائه داد بقاء مالیت مال موقوفه است و نه بقاء عین برگه سهام. چنانچه گفتیم مقصود از وقف اوراق سهام، وقف مالیت و ارزشی است که در قالب اوراق سهام نمود یافته است.

در اینجا دارایی مالی مورد نقل و انتقال قرار می‌گیرد و نه دارایی فیزیکی، در نتیجه قابلیت بقاء آن نیز تا حدودی همانند قابلیت بقا پول است. حال با توجه به اینکه سهام نیز چنین اوصافی را دارد، نقل و انتقال آن و تبدیل آن به اوراق دیگر از بین رفتن مال موقوفه نیست بلکه سرمایه وقف شده همچنان در گردش است و باقی است. در نتیجه اینجا بحث «حبس مالیت مال است» همانطور که در صورت وقف پول نیز منفعت آن در خرج کردن پول می‌باشد و این به معنای از بین رفتن مال محسوب نمی‌شود؛ مالیت وقف شده باقی است و آنچه بازگردانده می‌شود همان مالیت وقف شده است.

در صورتی که وقف اوراق بهادار سهام تنها با هدف دریافت سود نقدی سهام باشد که به طور معمول تنها سالانه به صاحبان سهام تعلق می‌گیرد و مبلغ آن گزاف نیست، امری است که به نظر می‌رسد فایده عقلایی ندارد سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار به طور عمده به دلیل بهره بردن از سودی است که در نتیجه افزایش قیمت سهام و در نتیجه فروش آن حاصل می‌شود که آن را سود سرمایه گذاری می‌نامند. «برای حفظ ارزش سهام لازم است از طریق اعمال مدیریت بهره سهم اقدام شود که منوط به ابدال و استبدال دائمی است» وقف سهام ملازمه با تبدیل به احسن کردن آن ندارد و این امر به معنای از بین رفتن سهام نبوده و با تفسیر وقف مالیت، تناقضی با لزوم حبس مال موقوفه ندارد. در این شرایط نیز سرمایه اولیه حبس است که تنها از سهام یک شرکت به سهام شرکتی دیگر تبدیل می‌شود.



شرط آخر نیز قابلیت قبض مال موقوفه است. باید به اینکه توجه داشته باشیم که قبض همانند تسلیم تنها مفهوم مادی و محسوس نیست. و چگونگی قبض هر مالی را عرف با توجه به ویژگی‌های آن مال معین می‌کند. عقد هبه نیز مانند عقد وقف عقد عینی است که در آن قبض شرط تحقق عقد است در این رابطه حقوق دانان گفته‌اند:

«گاه تسلیم مال به این است که واهب از آن دست بردارد و عین را مهیا برای تصرف متهب سازد چنانچه در هبه زمین غیرمحصور با تسلیم سند مالکیت زمین، قبض آن نیز انجام می‌پذیرد و گاه دیگر قبض مستلزم انتقال مادی مال و تسلیط متهب بر آن است چنانچه در اموال منقول به طور معمول چنین است. بنابراین تسلیم و قبض زمین با تسلیم و قبض یک جلد کتاب متفاوت است.

قبض اوراق بهادار سهام نیز با توجه به طبیعت این اوراق اشکال مختلفی دارد. روزانه میلیون‌ها تعداد سهم مبادله می‌شود بدون آنکه به قبض فیزیکی افراد داده شود. فرد سهامی را می‌خرد و آن را می‌فروشد بدون آنکه ورقه سهم خود را ببیند زیرا که اوراق سهام نزد شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه سپرده شده است و با خرید و فروش تنها نام مالک سهم به صورت کامپیوتری تغییر می‌گردد و گواهی نامه آن توسط شرکت کارگزاری به خریدار داده می‌شود. (عبده تبریزی، ۱۳۸۱: ۳۲)

در نتیجه در این مورد نیز به نظر می‌رسد قبض سهام هنگام وقف آن به صورت قبض فیزیکی هر برگه سهم نبوده و صرفاً با گواهی که کارگزاری مربوطه صادر می‌کند و نمایانگر تعداد سهام فرد است صورت می‌گیرد و هنگام تنظیم سند وقف نامه اولیه، ارائه گواهی مربوطه قبض و اقباض تمامی آن تعداد سهام تلقی می‌گردد.

با شرحی که گذشت ملاحظه می‌گردد که اوراق بهادار سهام دارای تمامی شرایط لازم جهت وقف می‌باشند بنابراین وقف این اوراق بلامانع است.

گفتار سوم: رویه فعلی وقف سهام

در ایران وقف اوراق سهام هرچند به ندرت اما صورت می‌پذیرد. این وقف بر مبنای تحلیل وقف سهام به عنوان وقف اموال عینی شرکت می‌باشد که شرح آن گذشت. در برخی از متون قانونی می‌توان مواردی را ملاحظه نمود که به سهام موقوفه اشاره شده است. برای مثال در آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه در مواد ۴۴ و ۵۰ این مساله مشاهده می‌گردد

ماده ۴۴ آیین نامه مقرر داشته: «سهام اوراق بهاداری که از محل ثمن موقوفات خریداری شده در حکم عین موقوفه است و قابل انتقال نیست مگر در موارد تبدیل.

تبصره - ادارات حج و اوقاف و امور خیریه به صورت مشخصات اوراق سهام موضوع این ماده و همچنین سایر سهام و اوراق موقوفه را در دفتر مخصوص ثبت و نگهداری خواهند کرد»



در ماده ۵۰ اما به شرکت اشاره شده که موقوفه بوده و در نتیجه کلیه سهام آن سهام موقوفه است. این ماده مقرر داشته: «متولیان و ادارات حج و اوقاف و امور خیریه به منظور بقاء عین رقبات و فراهم نمودن موجبات ابلاغی آنها می‌توانند با استفاده از وجوه بلامانعی که بدین امر اختصاص داده می‌شود صندوق و یا شرکتی تأسیس نمایند.

تبصره - صاحبان سهام این صندوق و یا شرکت اشخاص حقیقی و یا حقوقی خواهند بود که سرمایه آن را تأمین کرده‌اند. اما پیرامون رویه وقف سهام توسط اشخاص باید گفت که در حال حاضر شرکت سپرده گذاری مرکز اوراق بهادار و تسویه وجوه (سهامی عام) عهده دار این امر می‌باشد. افرادی که تمایل به وقف سهام خود دارند حسب مورد باید مدارک لازمه را به این شرکت تسلیم کنند تا کد وقفی دریافت نمایند و سهام آنها وقف شده تلقی و حبس گردد که نقل و انتقال آن مشروط خواهد شد. مدارک لازم برای وقف سهام هم اکنون بدین شرح است

الف) وقف نامه (با تأیید اداره اوقاف)؛

ب: گواهی نامه سپرده اوراق بهادار موردنظر؛

ج: حکم تولیت (از دادگاه)؛

د) تصاویر شناسنامه و کارت ملی (جهت اشخاص حقیقی واقف)؛

ه) آخرین روزنامه رسمی معرف صاحبان امضای مجاز شرکت (جهت اشخاص حقوقی واقف).^۱

لازم به ذکر است که در رویه موجود سهام موقوفه حبس شده و هرگونه نقل و انتقال آن ممنوع می‌گردد. در این شرایط تنها می‌توان از سود تقسیمی سهام بهره برد.

گفتار چهارم: اداره سهام موقوفه

در فصل اول دیدیم که موقوفه توسط متولی و گاه همراه با ناظر اداره می‌شود. متولی موقوفه تولیت وقف را بر عهده دارد و موظف است تا در رعایت مصلحت وقف بکوشد. گفتیم که وقف دارای شخصیت حقوقی است در نتیجه متولی اداره این شخص حقوقی را بر عهده دارد.

یکی از مهمترین مباحثی که در رابطه با اداره اوراق سهام موقوفه مطرح می‌شود مسأله از بین رفتن سهام در درازمدت است. قیمت سهام با توجه به عوامل مختلفی در بازار سرمایه همواره در حال نوسان است. این مسأله گاه به طور مستقیم به فعالیت‌های شرکت سهامی مربوطه ارتباط دارد و گاه مربوط به عوامل اقتصادی و سیاسی یک کشور می‌باشد. در نتیجه یک سرمایه گذار در بورس اوراق بهادار برای آنکه سرمایه گذاری سودآوری را داشته باشد باید همواره با متخصصین امور مالی مشورت نماید تا بدانند در چه زمانی سهام خود را برای جلوگیری از ضرر و یا کسب سود بیشتر بفروشد و چه سهامی را در صورت تمایل خریداری نماید. چنین خدمات مشاوره‌ای به طور معمول توسط شرکت‌های مختلف کارگزاری به سهامداران و سرمایه گذاران بازار سرمایه ارائه می‌شود.

^۱ بروشور «صدور کد سهامداری برای فعالان بازار سرمایه» موجود در شرکت سپرده سرمایه گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه



در نتیجه برای سرمایه گذاری موفق در بازار بورس اوراق بهادار خرید و فروش دائم این اوراق ضروری است. مسأله‌ای که در نگاه اول با مبنای وقف و حبس سازگار نیست. در راستای پاسخ به این مسأله کمیته تخصصی فقهی بورس اوراق بهادار در جلسه مربوط به وقف سهام تصویب نمود که «اگر در ضمن عقد وقف شرط شود که در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها، متولی آن سهام را فروخته و با پول آنها سهام بهتری خریداری و وقف کند صحیح است. با توجه به ماهیت وقف حتی در فرض شرط تبدیل در صورت کاهش قیمت سهام وقفی یا کاهش بازدهی آنها نباید به احتمال ضعیف و غیرمتعارف ترتیب اثر داده اقدام به تبدیل سهام وقفی نمود» این راه حل بلامانع است اما همچنان لازم است تا چنین شرطی جهت جواز فروش سهام در وقف نامه ذکر شود و امکان نقل و انتقال سهام نیز تفسیر مضیق گردیده است.

در این راستا تحلیل دیگری می‌توان داشت. می‌دانیم که سود سهام به دو نوع سود تقسیمی (DPS) و سود سرمایه (EPS) تقسیم می‌شود. سود تقسیمی سودی است که به صورت نقدی به صاحبان سهام شرکت پرداخت می‌شود و اما سود سرمایه افزایش قیمت سهام در بازار بورس است که عوامل مختلفی در آن موثر است. برای محاسبه آن، سود خالص پس از کسر مالیات شرکت را به تعداد سهام منتشر شده شرکت تقسیم می‌کند.

روند تغییر EPS در سه حالت کلی قابل تصور است:

۱- روند نزولی EPS: زمانی که بررسی رفتارهای EPS شرکت در بازه‌های زمانی مختلف نشانگر روند نزولی باشد می‌توان انتظار داشت که قیمت سهم نیز به تبعیت از روند نزولی سود دچار کاهش شود. در این صورت خرید و یا نگهداری این سهام موجب ضرر خواهد بود و در نتیجه غیرمنطقی است.

۲- ثبات روند EPS: ثبات دامنه نوسانات EPS نشانگر ثبات قیمت سهام است.

۳- روند صعودی EPS: در این صورت رشد سود سرمایه و روند صعودی موجب می‌شود تا پیش بینی گردد که قیمت سهام شرکت در آینده بالا خواهد رفت و سودآور خواهد بود.

بر اساس تحلیلی که ارائه شده است می‌توان سود سرمایه را نیز منفعت وقف دانست و در نتیجه به محض آنکه روند نزولی سود سرمایه آغاز شد بدین معناست که مال موقوفه در معرض ضرر است. در نتیجه مشاور مالی سهام موقوفه باید این مسأله را مورد توجه قرار داده و به متولی هشدار دهد تا امکان فروش و تبدیل آن به سهام سودآور دیگری مهیا شود. (معمدی، ۱۳۹۲: ۱۷)

این مسأله با تحلیل وقف سهام به عنوان وقف مالیت نیز سازگار است. بر این اساس هر زمان روند نزولی سود سرمایه سهام ملاحظه گردید بدین معناست که ارزش وقف شده در حال کاهش می‌باشد در نتیجه خوف خرابی مال موقوفه مبرهن شده و سهام مذکور باید فروخته شود. این مسأله در بازار بورس به وفور اتفاق می‌افتد و به همین خاطر است که سرمایه گذاری سودآور در این بازار مستلزم آگاهی به مسائل مالی است. در نتیجه متولی اوراق سهام موقوفه نیز باید از مشاور مالی بهره برده تا بر اساس نظریه کارشناسی اقدام به تبدیل به احسن کردن سهام و اداره شخص حقوقی موقوفه نمایند.



لازم به ذکر است که در صورتی که شخصیت حقوقی موقوفه را به معنای کامل آن شناسایی کنیم (چنانچه در فصل اول گذشت) در این رابطه با مشکلی مواجه نخواهیم بود زیرا مفهوم دارایی شخص حقوقی موقوفه به ما اجازه خرید و فروش مال موقوفه را خواهد داد بدون آنکه به اصل دارایی موقوفه صدمه‌ای وارد گردد. در نتیجه حتی با خرید و فروش سهام موقوفه همچنان نهاد حقوقی وقف پایدار خواهد بود.

در آخر نیز به این نکته اشاره می‌کنیم که حقوق دانان در حال ارائه الگوهایی جهت تأسیس صندوق‌هایی وقفی سهام هستند تا در نتیجه وقف سهام و اداره آن با سهولت امکان پذیر شود. با این وجود تاکنون هیچ یک از الگوهای ارائه شده به تصویب نرسیده و رسمیت پیدا نکرده است.

مبحث سوم: امکان سنجی وقف قرارداد آتی سهام

قرارداد آتی همانطور که از نام آن پیداست نوعی قرارداد است و بحث از امکان سنجی وقف آن بحثی است که به دلیل پاسخ روشن مسأله غیرضروری به نظر می‌رسد. با وجود این به دلیل اینکه امروزه قرارداد آتی از انواع اوراق بهادار می‌باشد که در ایران مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد ما نیز جهت جامع بودن بحث خود به بررسی امکان سنجی وقف آن اشاره خواهیم نمود. در این مبحث ابتدا قرارداد مزبور را به عنوان یکی از انواع اوراق بهادار تعریف خواهیم نمود سپس در گفتار دوم قرارداد آتی سهام را توضیح خواهیم داد و در گفتار سوم امکان سنجی وقف قرارداد آتی سهام را بررسی خواهیم کرد.

گفتار اول: ماهیت قرارداد آتی

یکی از انواع اوراق بهادار و ابزارهای مالی که امروزه در بازار سرمایه وجود دارد قرارداد آتی است. قرارداد آتی در حکم یک قرارداد پیش فروش استاندارد شده است. اولین معاملات قراردادهای آتی در دنیا به صورت استاندارد در بورس کالا انجام شده است. در ایران نیز اصطلاح قرارداد آتی برای اولین بار در آیین نامه معاملات بورس فلزات به چشم می‌خورد بعدها اولین قرارداد آتی در بورس کالا به راه اندازی قرارداد آتی بر روی شمش طلا یک اونس (که در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۳ مورد پذیرش قرار گرفت) از تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱ به طور گسترده آغاز شد. سپس با راه اندازی قرارداد آتی بر روی سکه طلای بهار آزادی و آغاز معاملات آن در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۵ تقریباً تمام معاملات آتی بورس کالا به قراردادهای سکه بهار آزادی اختصاص پیدا کرده است. (آرین، ۱۳۹۰: ۲)

بر این اساس قرارداد آتی، قراردادی است که بر اساس آن فروشنده متعهد می‌شود در سررسید معین، مقدار معینی از کالای مشخص را به قیمت مشخص بفروشد و در مقابل طرف دیگر قرارداد متعهد می‌شود همان کالا را با همان مشخصات در سررسید معین بخرد و برای اینکه هر دو طرف به تعهدات خود عمل کنند باید مبلغی را به عنوان وجه تضمین اولیه نزد اتاق پایاپای بگذارند که متناسب با تغییرات قیمت آتی باید این وجه تضمین اولیه را تعدیل کنند.



گفتار دوم: تشریح قراردادهای آتی سهام

یکی دیگر از انواع قراردادهای آتی، قرارداد آتی سهام است که به تازگی در بورس اوراق بهادار ایران نیز وارد گردیده و مورد داد و ستد قرار می‌گیرد. دستورالعمل معاملات قرارداد آتی سهام در بورس اوراق بهادار تهران در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۴ در ۵۸ ماده و ۱۳ تبصره به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس اوراق بهادار رسید (که در این گفتار منظور از دستورالعمل، دستورالعمل مذکور است)

بر اساس بند ۴۱ ماده ۱ دستورالعمل مذکور قرارداد آتی سهام است که فروشنده تعهد می‌کند در سررسید تعیین شده تعداد معینی از سهم پایه را به قیمتی که در زمان انعقاد قرارداد تعیین می‌شود، بفروشد و در مقابل خریدار متعهد می‌شود آن سهام را در تاریخ سررسید خریداری کند. برای جلوگیری از امتناع طرفین از عمل به تعهدات قرارداد، طرفین به صورت شرط ضمن عقد متعهد می‌شوند مبلغی را به عنوان وجه تضمین طبق ضوابط این دستورالعمل نزد کارگزار یا اتاق پایاپای بگذارند و متناسب با تغییرات قیمت آتی، وجه تضمین را تعدیل کنند و کارگزار یا اتاق پایاپای از طرف آنان وکالت دارد متناسب با تغییرات، بخشی از وجه تضمین هر یک از طرفین را به عنوان اباحه تصرف در اختیار دیگری قرار دهد و وی حق استفاده از آن را خواهد داشت تا در دوره تحویل با هم تسویه کنند متعهد فروش و متعهد خرید می‌توانند در مقابل مبلغی معین، تعهد خود را به شخص ثالث واگذار کنند که جایگزین او در انجام تعهد خواهد بود»

بازار معاملات آتی در بورس اوراق بهادار تهران را بازار آتی می‌نامند (بند ۱۰ ماده ۱ دستورالعمل) معاملات در بازار آتی نیز با واسطه شرکت‌های کارگزاری که مجوز لازم را از سازمان بورس گرفته باشند (ماده ۵ دستورالعمل) صورت می‌گیرد و با کد مالکیت مشتری که به طور ویژه برای معامله در سامانه معاملات بازار آتی فعال شده است (ماده ۹ دستورالعمل) به مبادله می‌پردازند. بدین منظور سامانه ای خاص جهت انجام معاملات آتی در بازار تهیه شده است. انواع سفارش در بازار آتی به شرح دستورالعمل نحوه انجام معاملات اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران است (ماده ۱۸ دستورالعمل) و مراحل انجام معاملات نیز در این بازار بر اساس مقررات نحوه انجام معاملات اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران تعیین می‌شود (ماده ۲۱ دستورالعمل)

قرارداد آتی پس از آخرین روز معاملاتی وارد دوره تحویل می‌شود و کارگزاران طرفین قرارداد آتی باید نسبت به انجام فرایند تحویل اقدام نمایند (ماده ۵۰ دستورالعمل) آخرین روز معاملاتی آخرین روزی است که امکان معامله یک قرارداد آتی در بازار وجود دارد (بند ۱ ماده ۱ دستورالعمل) تسویه قرارداد آتی نیز به دو صورت تسویه فیزیکی و نقدی انجام می‌پذیرد. تسویه فیزیکی تسویه نهایی قرارداد آتی از طریق انتقال سهم پایه و پرداخت اولین بازار قرارداد آتی است (بند ۱۸ دستورالعمل) و تسویه نقدی تسویه نهایی این قرارداد به طور نقدی بر اساس آخرین قیمت تسویه روزانه می‌باشد که منجر به سقوط تعهدات طرفین می‌شود (بند ۱۹ دستورالعمل) توضیح بیشتر در این رابطه و جزئیات این قرارداد از حوصله بحث ما خارج است.



گفتار سوم: امکان سنجی وقف قرارداد آتی سهام

قراردادهای آتی سهام به عنوان یکی از انواع اوراق بهادار در بازار اوراق بهادار مخصوص به خود که بازار آتی نام گرفته است مورد مبادله قرار می‌گیرد. حال این بحث مطرح می‌شود که آیا امکان وقف اوراق قرارداد آتی سهام وجود دارد یا خیر؟ قرارداد آتی سهام، چنانچه در تعریف آن گفتیم تعهدی است که خریدار بر خرید و فروشنده بر فروش سهامی که در قرارداد آتی معین گردیده است می‌نماید. با این وصف قرارداد آتی شرایط لازم برای مال موقوفه را دارا نیست و در نتیجه وقف آن امکان پذیر نمی‌باشد. عناصر اصلی و ماهوی این قرارداد تعهد است؛ تعهدی به خرید و تعهدی به فروش. در نتیجه خریدار قرارداد آتی که مالک آن محسوب می‌شود به صرف خرید قرارداد مالک سهام نشده و آن قرارداد نیز نمایانگر مالکیت وی نیست بلکه نمایانگر تعهدی است که وی به موجب قرارداد مذکور نموده است. در نتیجه قرارداد آتی به خودی خود مال مستقل قابل وقف نیست بلکه به معنای حقیقی حاکی از تعهدی داشته که در آخر با خرید سهام معین در قرارداد نتیجه مالی داشته و خریدار نهایی مالک سهام خواهد بود.

بنابراین نمی‌توان بحث وقف مالیت را که در مورد سهام مطرح کردیم در مورد قرارداد آتی نیز مطرح کنیم و به راستی این دو با یکدیگر متفاوت اند.

این مسأله از عباراتی که در دستورالعمل معاملات قرارداد آتی سهام در بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۸۹/۴/۱۲ آمده است قابل برداشت است. به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

بند ۹ ماده ۱: «اندازه قرارداد آتی: تعداد سهامی است که در هر قرارداد آتی، خرید و یا فروش آن تعهد می‌شود»

بند ۲۵ ماده ۱: خریدار: شخصی است که با اتخاذ موقعیت تعهدی خرید، متعهد به خرید سهام پایه در سررسید قرارداد آتی می‌شود و بر اساس عرف بازار، خریدار نامیده می‌شود.

بند ۳۲: سفارش: درخواست مشتری جهت اتخاذ موقعیت تعهدی خرید یا فروش است»

بند ۳۹: «فروشنده: شخصی است که با اتخاذ موقعیت تعهدی فروش، متعهد به فروش سهم پایه در سررسید قرارداد آتی می‌شود و بر اساس عرف بازار فروشنده نامیده می‌شود»

چنانچه ملاحظه می‌گردد در دستورالعمل نیز اشاره شده است که استفاده از واژگان خریدار و فروشنده بر اساس عرف بازار بوده است و واژگان مزبور با مسامحه استفاده شده‌اند.

ممکن است استدلال شود که برگه‌ی قیمتی مجزا از قیمت سهام تعهد شده خود را دارد چنانچه در بند ۵ ماده ۱ دستورالعمل مربوطه آمده است: «ارزش معامله: ارزش سهام تعهد شده در قرارداد آتی بر اساس قیمت قرارداد آتی است که به صورت حاصل ضرب اندازه قرارداد آتی در قیمت قرارداد آتی محاسبه می‌شود» در نتیجه باید آن را مالی دانست که فارغ از سهام تعهد شده دارای قیمت است و بر اساس آن قیمت و نه صرف قیمت سهام تعهد شده مورد خرید و فروش واقع می‌شود. این استدلال ممکن است در نگاه اول درست به نظر آید اما مسأله اینجاست که قیمت مذکور وابسته به سهامی



می‌باشد که در قرارداد آتی سهم حاکی از آن است. به همین خاطر نیز این نوع قراردادها و ابزارهای مالی مشتقه می‌نامند. در مورد قرارداد آتی سهام، قیمت سهم تعیین کننده است. بند ۳۷ ماده ۱ دستورالعمل مربوط به قرارداد آتی نیز در تعریف واژه سهم پایه مقرر داشته: «سهمی که قرارداد آتی مبتنی بر آن است» همچنین بند ۸ این دستورالعمل عنوان داشته: «اندازه قرارداد آتی: تعداد سهامی است که در هر قرارداد آتی، خرید یا فروش آن تعهد می‌شود» قرارداد آتی بدون در نظر داشتن و وجود سهم پایه موجودیت و ارزش مالی ندارد. در نتیجه این استدلال پیرامون مال قابل وقف بودن این اوراق صحیح نیست و برخلاف ماهیت این قرارداد می‌باشد.

ممکن است استدلال شود که با وجود اینکه ارزش این قرارداد نیز بسته به سهام تعهد شده در آن است به دلیل اینکه وقف سهم را جایز دانستیم، وقف قرارداد آتی نیز بلامانع است. به علاوه قرارداد آتی ورقه بهاداری است که در پایان قرارداد تبدیل به مال (سهام) می‌گردد و هرچند این ورقه نشانگر تعهد است اما آنچه امروزه در بازار قرارداد آتی رخ می‌دهد خرید و فروش این قرارداد است و از نظر قانونگذار ما نیز نوعی مال و ورقه بهادار شناخته شده که امکان خرید و فروش آن فراهم است. قانونگذار نیز در موارد مختلف لفظ خرید و فروش را بر معاملات قرارداد آتی برگزیده است.^۱ با این تحلیل می‌توان گفت که در نتیجه از منظر مال بودن یا نبودن قرارداد آتی، این ورقه بهادار مال بوده و از این نظر ایرادی بر آن وارد نیست.

به نظر می‌رسد با توجه به توضیحاتی که پیشتر دادیم پذیرش این استدلال مشکل است و همچنان بهتر است تا قرارداد مذکور را فاقد وصف مال مستقل که در رابطه با اموال قابلیت وقف موردنظر است بدانیم. زیرا در این صورت نیز وقف قرارداد آتی به معنای وقف تعهدیست که بعد از گذشت عمر قرارداد آتی تبدیل به مال (سهام) می‌گردد. در حال حاضر وقف تعهد به عنوان مال مورد پذیرش فقها نمی‌باشد.

به علاوه یکی از شرایط مال موقوفه، قابلیت بقا و شرط تأیید آن است. می‌دانیم که وقف اموالی امکان پذیر است که دوام داشته تا در نتیجه با وقف آن مال جاریه بودن صدقه که بنای وقف بر آن است امکان پذیر باشد. در اینجا نیز می‌توان بر وقف اوراق آتی ایراد وارد کرد زیرا که قرارداد آتی ورقه بهاداری است که از ابتدا با مهلت معین روبه روست زیرا که در سررسید معین (آخرین روز معاملاتی) دیگر امکان خرید و فروش این قرارداد وجود نداشته و در نتیجه تسویه می‌گردد. با این وصف به نظر می‌رسد وقف قرارداد آتی با مبانی نهاد وقف هماهنگ نبوده و در نتیجه امکان پذیر نیست.

نتیجه گیری

در قرآن کریم کلمه وقف به چشم نمی‌خورد نهاد وقف در اسلام بر مبنای حدیث نبوی «حبس الاصل و سبل الثمره» شکل گرفته است. نکته‌ای که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد استفاده از واژه «اصل» است. در تعابیر فقهای متقدم نیز از واژه اصلی استفاده می‌گردید تا آنکه به مرور زمان به نظر می‌رسد به دلیل آنکه غالب اموال در آن زمان به اعیان محدود بوده است واژه ی عین در تعابیر فقهای متأخر جایگزین واژه ی اصل گردید. گستردگی این استعمال سبب شد تا تصور شود جزء اعیان، مال دیگری قابل وقف نیست.

^۱ برای مثال رجوع کنید به بند ۲۴ دستورالعمل معاملات قرارداد آتی سهام در بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۸۹/۴/۱۲



بدین ترتیب به نظر می‌رسد در صورت وجود سایر شرایط مال موقوفه می‌توان جواز وقف اموالی که امروزه لزوماً در قالب عین گنجانده نمی‌شوند را نیز داد. از جمله این اموال می‌توان به اموال فکری و اوراق بهادار اشاره کرد.

مال حقیقت شرعی ندارد، بدین ترتیب مفهوم مال در زمان و مکان تغییر می‌کند و همواره در حال تحول است. آنچه فایده داشته و نیازی را برطرف کند و مورد رغبت افراد قرار گیرد مال است. هر آنچه دارای اوصاف مذکور باشد، عقلاء مالیت را بر آن در نظر می‌گیرند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد مالیت امری اعتباری است و نه عین مادی خارجی که عقلاً برای چیزی اعتبار می‌کنند و به آن چیز مال می‌گویند.

وقف مالیت در عبارات فقهای معاصر در بحث وقف پول به چشم می‌خورد. در میان این آراء فقها ملاحظه می‌گردد که استدلال برخی بر مبنای امکان وقف مالیت بوده که در نتیجه ی آن وقف پول را جایز می‌دانند. آراء جدیدتر فقها به سمت جواز وقف پول گرایش دارد. به نظر می‌رسد می‌توان از این مبنا در بحث وقف اوراق بهادار استفاده کرد.

در صورت شناسایی شخصیت حقوقی برای نهاد وقف، لازم است تا تمام آثار و ویژگی‌های شخص حقوقی از جمله دارایی را برای آن شناسایی کرد. بدین ترتیب نه تنها بر دوام نهاد موقوفه افزوده ایم بلکه امکان وقف منفعت و دین را به معنی افزودن این موارد به دارایی شخص حقوقی وقف امکان پذیر کرده ایم. هرچند این تفسیر امروزه مورد پذیرش اکثریت حقوقدانان نمی‌باشد اما قابل تأمل است.

به نظر می‌رسد مقصود از وقف سهام، وقف مالیتی است که در قالب اوراق سهام نمود یافته است. با توجه به اینکه اوراق سهام دین نمی‌باشند و در نظر عرف به عنوان مال داد و ستد می‌شوند می‌توان استدلال کرد که سهام نیز مال قابل وقف است که تنها در قالب عین نمی‌باشد. با وقف سهام بر این مبنا ارزشی وقف گردیده که این ارزش و مالیت در قالب اوراق بهادار سهام است. به نظر می‌رسد قصد واقفی که سرمایه خود را که در قالب سهام چندین شرکت تجاری تجمیع شده است، وقف می‌کند بخشی از سرمایه خویش است و وقف سهام خاصی موضوعیت ندارد. بر همین اساس می‌توان امکان نقل و انتقال سهام وقفی و تبدیل این اوراق به اوراق سهامی دیگر به دلیل تبدیل به احسن نمودن مال موقوفه را نیز جایز دانست. در این حالت به اصل سرمایه وقف شده خدشه‌ای وارد نمی‌شود بلکه می‌توان از این طریق علاوه بر سود تقسیمی، از سود سرمایه سهام نیز بهره مند شد. این مبادلات از مصادیق از بین رفتن مال موقوفه نمی‌باشد بلکه جزیی از ویژگی ذاتی سهام و مبنای سرمایه گذاری سودآور افراد در بازار بورس اوراق بهادار است. این تفسیر با حدیث «الوقوف تکنون علی حسب ما یوقفها اهلها» نیز سازگار است.

سود سهام به دو نوع سود تقسیمی (DPS) و سود سرمایه سرمایه (EPS) تقسیم می‌شود. با تحلیل وقف سهام به عنوان وقف مالیت هر زمان روند نزولی سود سرمایه سهام ملاحظه گردید بدین معناست که ارزش سرمایه وقف شده در حال کاهش می‌باشد و خوف خرابی مال موقوفه مسلم است. در نتیجه باید سهام مذکور فروخته شود و سهام دیگری خریداری شود که می‌تواند از تبدیل به احسن نمودن مال موقوفه نیز باشد. بدین منظور لازم است تا متولی سهام موقوفه از مشاوران مالی بهره برد.



قابلیت قبض مفهوم مادی نیست و چگونگی قبض هر مالی با توجه به ویژگی همان مال توسط عرف تعیین می شود. قبض اوراق سهام نیز به صورت سنتی قبض برگه سهام نمی باشد. امروزه شرکت های کارگزاری به صاحبان سهام گواهی نقل و انتقال و سپرده اوراق بهادار در بورس را می دهند که در آن تعداد سهامی که شخص مالک می باشد، ذکر شده است. اصل سهام نیز در شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سهامی عام) موجود است بنابراین قبض گواهی صادره از شرکت کارگزاری به منزله قبض سهام تلقی می شود.

قرارداد آتی یکی از انواع اوراق بهادار است اما وقف آن به معنای وقف تعهدیست که بعد از گذشت عمر قرارداد آتی تبدیل به مال (سهام) می گردد حالی که صرف وقف تعهد به عنوان مال مورد پذیرش فقها نمی باشد» علاوه بر قرارداد آتی ورقه بهاداری است که از ابتدا با مهلت معین روبه روست و در سررسید معین (آخرین روز معاملاتی) دیگر امکان خرید و فروش این قرارداد وجود نداشته و در نتیجه تسویه می گردد و این با لزوم قابلیت تأیید مال موقوفه در تضاد است.

بحث از وقف قرارداد اختیار معامله به عنوان یکی از انواع اوراق بهادار، بحثی خلاف مقتضای نهاد وقف است زیرا که اوراق اختیار معامله دارای مدت محدود و معینی بوده که با شرط دوام مال موقوفه و تأیید و مبنای وقف که جاریه بودن این صدقه بوده، در تضاد است و حق اختیار مال قابل وقف نمی باشد.



فهرست منابع

(۱) کتابها

- ۱- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، جلد ۲ تهران، سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۷
- ۲- الماسی، نجادعلی، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۷۸
- ۳- امینیان مدرس، محمد، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، تهران، سمت، چاپ اول ۱۳۸۱
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد چهاردهم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید پاییز ۱۳۷۳
- ۵- حائری یزدی، محمدحسن، وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، موسسه چاپ استان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۸۰
- ۶- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد ۳ تهران نشر دادگستر، چاپ اول ۱۳۷۴
- ۷- -----، حقوق تجارت، جلد ۲ تهران، نشر دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۷۴
- ۸- سازمان اوقاف و امور خیریه و بانک توسعه اسلامی، وقف در تمدن اسلامی، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی (مجموعه ۴ جلدی) تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول ۱۳۸۷
- ۹- طبیبیان، سیدحمید، فرهنگ لاروس عربی به فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰
- ۱۰- فنایی، سیدمجتبی، خودآموز بورس، تهران، سازمان بورس اوراق بهادار، شرکت اطلاع رسانی و خدمات بورس، چاپ اول ۱۳۸۸
- ۱۱- قاسمی ارمکی، علی، راهنمای انتشار صکوک، تهران، انتشارات کیومرث، چاپ اول ۱۳۹۱
- ۱۲- کاوند، مجتبی، گفتارهایی درباره اوراق بهادار اسلامی (صکوک) تهران، دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول ۱۳۸۹
- ۱۳- لنگرودی، جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، تهران، گنج دانش، جلد پنجم، ۱۳۷۸
- ۱۴- لطفی، اسدالله، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمحہ، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم ۱۳۸۵
- ۱۵- صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، نشر دانا، چاپ اول ۱۳۷۳
- ۱۶- صفایی، سیدحسین، قاسم زاده، سیدمرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران
- ۱۷- صفایی، سیدحسن، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اشخاص و اموال، جلد ۱، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۰
- ۱۸- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید (دو جلدی) تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم ۱۳۷۲
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی عقود معین عطایا، تهران، گنج دانش، چاپ پنجم ۱۳۹۰
- ۲۰- -----، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، نشر میزان چاپ سیزدهم ۱۳۸۵
- ۲۱- -----، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲ تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۸۸
- ۲۲- -----، حقوق مدنی: دوره عقود معین (۱) معاملات معوض - عقود تملیکی - بیع - معاوضه - اجاره - قرض، شرکت سهامی انتشار چاپ دهم ۱۳۸۷
- ۲۳- لافتن، تد، قراردادهای آتی، ترجمه گروهی شرکت کارگزاری بانک صنعت و معدن، انتشارات شرکت کارگزاری بانک صنعت و معدن، تهران چاپ اول ۱۳۸۳
- ۲۴- موسویان، سیدعباس، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۶



۲) مقالات

- ۱- ابراهیمی، مریم، نقش صکوک در تأمین مالی پروژه‌ها و تأملی بر قوانین و مقررات حاکم بر آن، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۷ نیمسال اول ۱۳۸۹
- ۲- ابهری علی آبادی، حمید؛ رضایان، عبدالله، مفهوم و ماهیت وقف و وضعیت مالکیت مال موقوفه در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، نشریه علوم انسانی مقالات و بررسی‌ها، دانشگاه تهران، شماره ۸۶ زمستان ۱۳۸۶
- ۳- اخلاقی، بهروز، بحثی پیرامون توثیق اسناد تجاری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۴ شهریور ۱۳۶۰
- ۴- اسدی نژاد، سیدمحمد، تبدیل موقوفات، مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۱ انتشارات اسوه چاپ اول ۱۳۸۷
- ۵- امیرمحمدی، محمدرضا، مطالعه تطبیقی نهاد وقف در فقه و قوانین مدون، مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۱ انتشارات اسوه ۱۳۸۷
- ۶- امینی فر، محمد، هاشمی مجد، سید هادی، تحقیق در زمینه احکام ارکان وقف در فقه و حقوق بر اساس فقه استدلالی، مجله پژوهش‌های فقهی، سال هفتم شماره چهارم ۱۳۹۰
- ۷- باریکلو، علیرضا، ماهیت سهم و بازخرید آن توسط شرکت صادرکننده، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی شماره ۱ تابستان ۱۳۸۵
- ۸- بهرامی، محمد، پژوهشی فقهی - حقوقی در وقف سهام شرکت‌ها، مجله میراث جاویدان، سال هشتم شماره ۲، ۱۳۷۹
- ۹- تسخیری، محمدعلی، مبانی شرعی اوراق بهادار اسلامی (صکوک) گفتارهایی درباره اوراق بهادار اسلامی (صکوک) به اهتمام مجتبی کاوند، دانشگاه امام صادق چاپ اول ۱۳۸۹
- ۱۰- تفرشی، محمدعیسی، سکوتی نسیمی، رضا، بیع سهام شرکت‌های سه امی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و یکم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۳
- ۱۱- حسین زاده، جواد؛ شیروی، عبدالحسین، وضعیت فقهی و حقوقی قرارداد اختیار معامله، فصلنامه عملی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم شماره ۲۷ پاییز ۱۳۸۶
- ۱۲- رحمانی، محمد؛ شخصیت حقوقی وقف، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۳۰ تابستان ۱۳۷۹
- ۱۳- رفیعی، محمدتقی؛ عبدالصمدی، راضیه، بررسی حقوقی اوراق اختیار معامله در بازار بورس اوراق بهادار، مجله اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال چهارم، شماره دهم، دانشگاه تهران، بهار و تابستان ۱۳۸۵
- ۱۴- سعادت فر، جواد، امکان سنجی وقف اوراق سهام و نقش آن در بازار سرمایه، مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۲ انتشارات اسوه چاپ اول ۱۳۸۷
- ۱۵- شیروانی شیرینی، رضا، وقف در میان ملت‌های جهان و مذاهب اسلامی، مجله وقف میراث جاویدان سال دوم شماره اول ۱۳۷۳
- ۱۶- عبده تبریزی، حسین؛ هاشمی نسب، سیدمهدی؛ وقف و تشکیل سرمایه در بازار مالی ایران، مجله وقف میراث جاویدان، سال هشتم شماره ۳-۴، ۱۳۸۴
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر؛ سیر پیدایش شخصیت حقوقی وقف در فقه اسلام مجله وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره اول، ۱۳۷۲
- ۱۸- -----، تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۷۹



- ۱۹- کریمی، عباس؛ موسوی، اسماء، بیع اموال فکری از منظر حقوق اسلامی مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی شماره ۲ سال چهارم و چهارم پاییز و زمستان ۱۳۹۰
- ۲۰- کریمی، عباس؛ معین اسلام محمد، رهن اموال فکری، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸ شماره ۲ تابستان ۱۳۸۷
- ۲۱- گرجی، ابوالقاسم، مالکیت در اسلام، مجله فقه و اصول تحقیقات اسلامی، شماره ۱ سال اول بهار و تابستان ۱۳۶۵
- ۲۲- مصباحی مقدم، غلامرضا؛ شکری، صابر، وقف سهام از نظر فقهی و ارائه الگوی مالی، مجله پیام مدیریت، شماره ۲۱ و ۲۲ زمستان ۸۵ و بهار ۸۶
- ۲۳- مصباحی مقدم، غلامرضا، سیاح، سجاد؛ نادری نورعینی، محمدمهدی، امکان سنجی وقف سهام و پول؛ مدل صندوق وقف سهام و پول در ایران، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی سال ۶ شماره ۱۲ پاییز و زمستان ۱۳۸۸
- ۲۴- ملکوتی فر، ولی الله، بررسی تطبیقی وقف، وقف نفوذ و شرایط موقوفه، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۳۳ و ۳۴ بهار و تابستان ۱۳۸۰
- ۲۵- میرداداشی، سیدمهدی، لزوم نظارت سازمان اوقاف بر وقف خاص، مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۱ انتشارات اسوه چا اول ۱۳۸۷
- ۲۶- ناصحی، مهدی، شادپی، محبوبه، بانک وقف پول (فرصت‌ها و چالش‌ها) مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۲ انتشارات اسوه، چاپ اول ۱۳۸۷
- ۲۷- نیرمانی، سیدمحسن، فروش وقف در فتاوی فقهای شیعه، مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی جلد ۱ انتشارات اسوه چاپ اول ۱۳۷۸
- ۲۸- نعمت اللهی، اسماعیل، ذمه برعهده در فقه شیعه، مجله مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهارم و چهارم، شماره ۹۰ پاییز ۱۳۹۱

۳) پایان نامه‌ها

- ۱- ابراهیم زاده، محمد، وقف از دیدگاه فقهای امامیه و تطبیق آن با قانون مدنی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، ۱۳۷۹
- ۲- آراین، محسن، تحلیل فقهی قراردادهای آتی در بورس اوراق بهادار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۹۰
- ۳- دلشاد معارف، ابراهیم، شخصیت حقوقی وقف در مکاتب مختلف اسلامی و بازتاب آن در حقوق موضوعه کشورهای اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران ۱۳۷۶
- ۴- رشوندی، ابوالحسن، وضعیت حقوقی اوراق بهادار سفارش ساخت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۸۹
- ۵- عرب عامری، محمدعلی، مبانی فقهی و حقوقی وقف، رساله کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۸۴
- ۶- عظمتی، محمد حسن، مطالعه تطبیقی نهاد وقف عام در حقوق ایران و تراست در کامن لا با تأکید بر وقف اموال غیرمادی، وقف پول و وقف مالیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران ۱۳۷۶
- ۷- ملک محمدی، شیرین، نقش بورس در انتشار و انتقال اوراق مشارکت، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۸۸